روزنامه شرق

شهادت حضرت امام محمدباقر(ع) را تسلیت می‌گوییم

پنجشنبه ۱۸ شهریور ۱۳۹۵ • ۶ ذی‌الحجه ۱۴۳۷ • ۸ سپتامبر ۲۰۱۶

سال چهاردهم • شماره ۲۶۷۷ • ۲۰صفحه • ۱۰۰۰ تومان

رئیس‌جمهوری در جلسه هیأت دولت:

دنیای اسلام برای تنبیه عربستان با هم هماهنگ شوند

پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری: حسن روحانی رئیس‌جمهوری روز گذشته در جلسه هیأت دولت، با گرامیداشت سالگرد شهادت مظلومانه حجاج مظلوم بیت‌الله الحرام، تصریح کرد: «دولت و نظام جمهوری اسلامی ایران هرگز از خون این شهیدان مظلوم...

صفحه ۲

وزیر اقتصاد با رد ارتباط اطلاعاتی با FATF

خود تحریمی نداریم

گروه اقتصاد: قرار نیست هیچ اطلاعاتی از ایران به FATF داده شود. این را بارها وزیر اقتصاد در سخنان خود درباره پیوستن ایران به گروه ویژه مالی مطرح کرده است؛ اما کماکان مخالفت‌ها برقرار است. آن‌گونه که او مطرح می‌کند بیشتر این مخالفت‌ها...

صفحه ۵

مقام معظم رهبری در دیدار با خانواده‌های شهدای منا:

شجره خبیثه آل سعود لیاقت اداره حرمین را ندارد

صفحه ۳

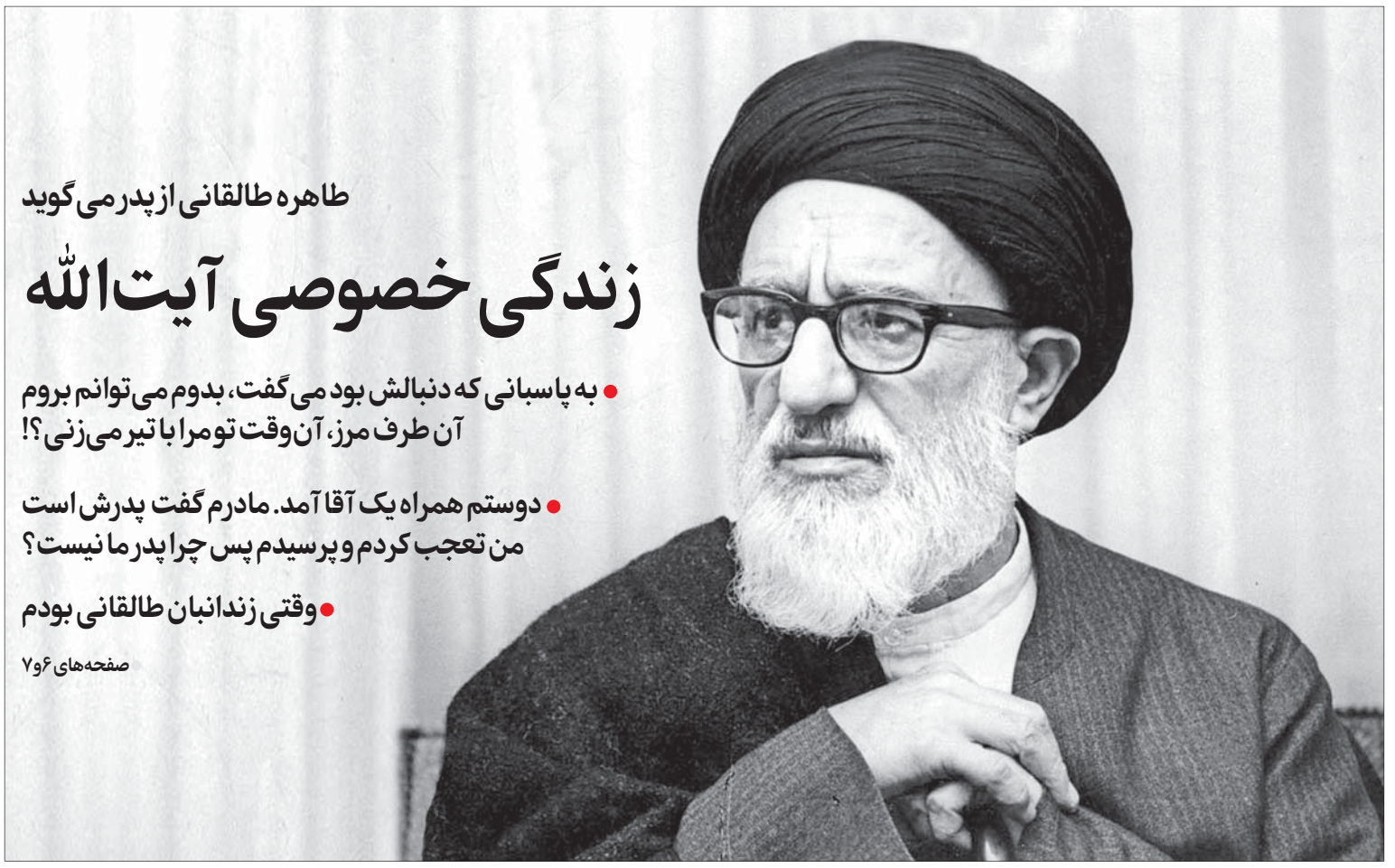

عکس: جماران

طاهره طالقانی از پدر می‌گوید

زندگی خصوصی آیت‌الله

• به پاسبانی که دنبالش بود می‌گفت، بدوم می‌توانم بروم آن طرف مرز، آن‌وقت تو مرا با تیر می‌زنی؟!

• دوستم همراه یک آقا آمد. مادرم گفت پدرش است من تعجب کردم و پرسیدم پس چرا پدر ما نیست؟

• وقتی زندانبان طالقانی بودم

صفحه‌های ۶و۷

نوازنده صاحب‌نام تار درگذشت

«تار» در سوگ «شریف»

صفحه ۱۴

تیترها

وزیر کشور درباره واگذاری املاک شهرداری:

اگر خلافی صورت نگرفته قوه قضائیه باید اعلام کند

صفحه ۱۷

پاسخ توییتری ظریف به مفتی سعودی

صفحه ۲

آمریکا یک‌میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار را نقد داد

صفحه ۱۹

آنان که روی مین نمی‌روند؛ اما...

فریدون مجلسی

صفحه ۱۲

سرمقاله

سقوط به سبک بنی‌سعود

سیدهادی خسروشاهی

رئیس پیشین نمایندگی ایران در مصر

با آغاز ماه ذی‌الحجه، فاجعه منا بار دیگر در کانون توجه افکار عمومی ایرانیان قرار گرفته و مواضع عزتمندانه مسئولان عالی کشور، به‌ویژه مقام معظم رهبری و ریاست جمهور، جناب دکتر روحانی، دراین‌باره، در رسانه‌های منطقه و جهان بازتاب یافته است. نگارنده چند ماه قبل در یادداشتی در روزنامه «شرق»، خواستار ایجاد هم‌گرایی بین ایرانیان و همه مسئولان و مراجع تقلید، برای حضور نیافتن در حج تمتع امسال شدم. سیر تحولات و مذاکرات طرف ایرانی با هیأت سعودی هم نشان داد اساسا با این حکومت نمی‌توان از باب تفاهم و احترام متقابل سخن گفت. فریضه الهی حج، این روزها بیش از هر زمانی، گروگان رفتارهای بنی‌سعود در منطقه و جهان قرار گرفته است. پاسخ‌گونبودن در قبال فاجعه کشتار حجاج ابراهیمی در حج سال گذشته و بیان‌نشدن یک عذرخواهی ساده ازسوی آنان، در کنار تداوم جنایت در یمن، سوریه و عراق به‌وسیله داعش و سایر گروه‌های تکفیری که در مدارس و دانشگاه‌های وهابیت در مکه و مدینه آموزش فکری دیده‌اند و امروز هم از دلارهای نفتی سعودی تغذیه می‌کنند و رفتارهای خصمانه در قبال جمهوری اسلامی ایران که تا کارشکنی در به‌نتیجه‌نرسیدن برجام و پیوند آشکار با صهیونیست‌ها پیش رفت، به خوبی نشان می‌دهد نمی‌توان انتظار بازگشت روابط دیپلماتیک را به فضای معمول داشت. حکام سعودی البته تصور می‌کنند با ته‌مانده دلارهای نفتی که از خرج‌های هنگفت تأمین تروریست‌ها و ریختن بمب و موشک بر سر مردم یمن باقی مانده است، می‌توانند همچنان روی حمایت آمریکا، دبیرکل سازمان ملل و برخی دولت‌های جعلی عربی مانند مصر سیسی، حساب کنند؛ تا بان کی مون باز هم اعتراف کند با گرفتن پول، عربستان را از فهرست کشورهای کودک‌کش خارج کرده است. آنان در کوتاه‌مدت شاید خود را مالک حج و حرمین شریفین قلمداد کرده و به‌جز حجاج ایرانی، حجاج فلسطینی، سوری و... را نیز محدود کنند؛ اما این روند حتما در میان‌مدت تداوم نمی‌یابد. وقتی تروریست‌های چشم‌آبی از عراق و سوریه بیرون ریخته شوند، به اروپا و ایالات متحده برخواهند گشت و ناامنی در دل این کشورها، انگشت اتهام را به سوی حکام بنی‌سعود، نشانه خواهد رفت. افکار عمومی ایرانیان نیز بیش از هر زمانی، متوجه ذات اصلاح‌ناپذیر این شجره ملعونه شده است و این روزها در شبکه‌های اجتماعی، به‌خوبی این واقعیت نمایان است. درباره فریضه حج، تعطیلی دائم عمره مفرده به‌عنوان یک گزینه جدی، می‌تواند روی میز باشد. هیچ مسلمانی راضی نیست پول‌های او برای انجام یک زیارت غیرواجب، از سوی حکام سعودی به بمب و اسلحه تبدیل شده و ناامنی منطقه و جهان را سبب شود. درباره حج تمتع نیز نبود امنیت و تداوم بی‌احترامی به حجاج، کاملا روشن است و موضوعاتی مانند تضمین‌ندادن برای صیانت از حقوق حجاج و حفظ کرامات آنان در مسئله صادرنکردن حکم برای دو مأمور خاطی فرودگاه جده -که یکی از صدها مورد بی‌احترامی به ایرانیان را رسانه‌ای کرد- تکلیف حضور ما را در این کشور روشن کرده است. به نظر نمی‌رسد با توجه به مشکلات داخلی بنی‌سعود، هزینه‌های هنگفت تداوم جنگ و خرابکاری در منطقه و جهان و البته حساس‌شدن بسیاری از کشورهای منطقه و حتی غرب در قبال صدور تروریسم تکفیری از عربستان به سایر نقاط منطقه و جهان، بتوان عمر طولانی برای بنی‌سعود در نظر گرفت.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

طالقانی مظهر مهر و مدارا

غلامرضا امامی

ز آنکه از قرآن بسی گمره شوند
زان رسن قومی درون چه شوند
این رسن را نیست جرمی ای عنود
چون تو را سودای سر بالا نبود.
«حضرت مولانا»

سر پیچ‌شمران، اولین بن‌بست خانه او بود؛ خانه دل ما. خانه طالقانی، آیت‌الله طالقانی.

از خانه که بیرون می‌آمدیم، به خیابان انقلاب می‌رسیدیم. دست راست «میدان امام‌حسین» بود و دستِ چپ ادامه خیابان به «میدان انقلاب» می‌رسید و در پی آن «میدان آزادی»...

در خزینه خاطره چه یادها که از این خانه رویاروی دل و دیده‌ام باز مانده... برخی را در سالگرد پروازش بازمی‌گویم... در دیده و دل من «طالقانی» رنگین‌کمانی بود از نقش‌ها و رنگ‌ها اما آنچه در او رخ می‌نمود رنگ مهربان آبی آسمانی وی بود و رنگ سبزِ شاد زمینی‌اش. آبان ۴۶ را خوب به خاطر دارم؛ آقا و زنده‌یاد مهندس بازرگان از زندان آزاد شده‌اند؛ شب به جلال زنگ می‌زنم، خوشحال می‌شود و می‌گوید با هم به دیدارشان برویم. فردا ساعت ۹ صبح دوراهی قلهک... و فردا روز خوب و خوشی بود... نخست به خانه زنده‌یاد بازرگان می‌رویم؛ اول ظفر، خانه‌ای پر از گل. جلال را معرفی می‌کنم، بازرگان با چهره‌ای مهربان در آغوشش می‌گیرد و از کتاب «خسی در میقات» سخن به میان می‌آورد که در آن جلال به «خانه مردم» مهندس اشاره کرده و نوشته است سابقا استاد دانشگاه و فعلا زندانی سیاسی. بحث به «مصدق» می‌رسد، نام بلند او سیمان وساروجی است و مهندس از جلال می‌خواهد دست به کار شود و علل شکست نهضت ملی را پی بگیرد؛ و جلال از کتاب «مالکم ایکس» سخن به میان می‌آورد که او را نخست شگفت‌زده کرده است؛ بنا می‌شود که کتاب را به مهندس برسانم؛ و دو روز بعد کتاب در دست‌های مهندس است با حاشیه‌های فراوان که جلال به فارسی بر کتاب نوشته است. با جلال راه می‌افتیم به سوی پیچ‌شمران، به خانه آقا... به خانه که می‌رسیم... جمعی جمع‌اند؛ در راه جلال می‌گوید زادگاه من اورازان است و زادگاه آقا گیلیرد... دو روستا نزدیک هم، در طالقان. ما منسوبیم. در خانه آقا سخن از نامه جلال می‌رود درباره اسرائیل، آن نامه در «بارو» نشر یافت؛ نشریه‌ای به یاری بامداد و رؤیایی و به سردبیری سیروس طاهباز- پس از نشر این نامه نشریه توقیف شد- دیدار جلال با آقا صمیمی‌تر است و گرم‌تر...

دی ۴۶: غلامرضا تختی درگذشته است؛ مردم به سوگ او در مسجد فخرالدوله گرد آمده‌اند. به آقا تلفن می‌زنم می‌گوید بیا با هم برویم، صبح به خانه‌اش می‌روم و پیاده در خدمتش به راه می‌افتیم به سوی دروازه شمیران... در مسجد غلغله است، مردم که وی را می‌بینند راه باز می‌کنند و آقا داخل مسجد می‌رود و خود صاحب‌عزا می‌شود... تنها روحانی اوست که به مسجد آمده است و خطیب مجلس. پس از ختم، زنده‌یادان مهندس حسیبی و دکتر حمید عنایت به دیدار آقا می‌آیند و مردمان به تسلا... .

مهر ۴۹: جمال عبدالناصر درگذشته است، می‌دانستم که آقا را به وی مهری عمیق است؛ در خدمتش از پیچ‌شمیران پیاده راه می‌افتیم، حاج صادق هم هست یار وفادارش. مقصد سفارت مصر است در خیابان قوام‌السلطنه. به سفارت که می‌رسیم «سمیع انور»، سفیر مصر، به استقبال می‌آید و آقا در دفتر یادبود متنی کوتاه می‌نگارد و خبر می‌دهد که در مسجد هدایت شب جمعه به سوگ ناصر می‌نشینند؛ در راه به من می‌گوید همسر ناصر از تباری ایرانی است و اصفهانی و ناصر دوستدار مصدق و ایران بود و در سخنرانی‌ها همیشه می‌گفت من المحیط الاطلسی الی الخلیج الفارسی، بر واژه خلیج فارس تکیه می‌کند. ناصر دوستدار شیعه بود و به کوشش وی بود که «دارالتقریب» به همت علامه محمدتقی قمی پاگرفت و شیخ شلتوت، مفتی الازهر، فتوای به رسمیت شناخته‌شدن شیعه را صادر کرد... و امام موسی صدر دوست و دوستدار ناصر است.. .

آذر ۵۰: آقا در خانه محصور است، جز فرزندان کسی حق ندارد به وی سر بزند، پاسبانی مأمور است... هوا سرد شده... آقا به مشهدی ابراهیم زنگ می‌زند که مقداری هیزم فراهم کند و در وانتی به خانه‌اش بفرستد. اسماعیل‌آقا، فرزند مشهدی ابراهیم، مقداری هیزم فراهم می‌آورد؛ وانت به در خانه که می‌رسد پاسبان سر می‌رسد و می‌گوید اجازه نمی‌دهم که نه تو به داخل خانه بروی و نه هیزم را خالی کنی... جروبحث بالا می‌گیرد... آقا که صدا را می‌شنود، پنجره طبقه بالا را می‌گشاید و داستان را درمی‌یابد... رو به پاسبان می‌کند و می‌گوید: سرکار! خانه من گرم است، بخاری نفتی به راه، این هیزم‌ها برای توست که شب‌ها روشن کنی و گرم شوی و سرما نخوری... و پاسبان می‌گرید... .

۲۹ آذر ۵۰: آقا به بافت تبعید می‌شود همراه مأموری... در راه ماشین می‌ایستاد و آقا در بیابان و صحرا قدم می‌زند اما مأمور در پی او نیست، مدتی می‌گذرد و آقا برمی‌گردد؛ رو به مأمور می‌کند و می‌گوید:

- سرکار چطور مرا تعقیب نکردی، شاید من فرار می‌کردم و تو را به این گناه اعدام می‌کردند.

مأمور چنین می‌گوید:

- آقا به جدم قسم، اگر شما فرار می‌کردید و مرا اعدام می‌کردند، افتخار می‌کردم.

- آقا در خانه‌ای کوچک در بافت سکنی می‌گزیند، پاسبان مراقب را قرآن می‌آموزد، به ساواک گزارشی نمی‌رسد. پاسبان شیفته آقا می‌شود و سخن از فقر مردم در سوزوسرمای زمستان به میان می‌آورد و آقا پولی در اختیارش می‌گذارد که به نیازمندان برساند.

احمد خرازچی در ژاندارمری به خدمت آقا درمی‌آید... انقلاب که پیروز می‌شود، احمد خرازچی به توصیه آقا فرمانده ژاندارمری کرمان می‌شود... .

بهمن ۵۷: انقلاب پیروز شده است، باز هم خانه آقا ملجأ و مأوای مردمان است. در میان جمع، آقا چشمش به استوار ساقی زندانبان شهره قزل‌قلعه می‌افتد، از او می‌پرسد چه می‌کنی، می‌گوید برکنار شده‌ام و بیچاره... آقا دستور می‌دهد که به زندانبان حقوقش پرداخت شود که مبادا عیش به عسرت گذراند... .

ادامه در صفحه ۴

حرف اول

سالی که نکوست

ژاله شادی‌طلب . جامعه‌شناس

از عمر حضور زنان نماینده مجلس دهم هنوز یک سال نگذشته است و در واقع هنوز در آغاز راه هستند؛ اما براساس یک ضرب‌المثل قدیمی ایرانی نگرانیم که؛ «سالی که نکوست، از بهارش پیداست». یکی از زنانی که برای اعطای موقعیت والای نمایندگی و مسئولیت خطیر تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز برای زنان و مردان جامعه به پای صندوق رأی رفته، به‌عنوان نگارنده این یادداشت نگرانی‌هایی دارد که ذکر آن در همین ابتدای راه ضروری است؛ وگرنه در پایان چهار سال بر پشت دست زدن و تأسف‌خوردن به حال اشتباهات، مشکلی را چاره نخواهد کرد. دلیل این ضرورت و احساس نگرانی، رفتار یکی از نمایندگان مرد مجلس با خبرنگار محترمی است که گویا (براساس شنیده‌ها) چون دغدغه اتحاد و همبستگی ملی داشته، پرسشی را مطرح کرده است که با ضرب‌وشتم نماینده مجلس مواجه شده است؛ اما چرا پرداختن به دلایل پیداشدن چنین برخورد ناشایستی بیش از آنکه بر دوش آقایان نماینده مجلس گذاشته شود، خانم‌های نماینده را خطاب قرار می‌دهد؟ زیرا زمانی که این نماینده در جریان تبلیغات انتخاباتی به همه زنان جامعه توهین کرد، حداقل زنان نماینده دور پیشین مجلس اعتراض کردند؛ ولی متأسفانه زنان نماینده‌ای که در این دوره به مجلس راه یافته‌اند...

ادامه در صفحه ۴

برای درج تبلیغات خود در وبسایت روزنامه شرق با ما تماس بگیرید

روزنامه شرق دومین روزنامه پربازدید ایران در فضای مجازی

۸۸۱۹۳۹۷۹-۸۸۱۹۲۸۷۷

sharghdaily.ir

معرفی آژانسهای مسافرتی هتلها و مراکز گردشگری

راه سبز ۸۸۱۰۶۸۶۸

رجوع به صفحه ۱۸

تلفن تماس : ۸۸۱۹۲۸۷۷

جناب آقای دکتر محمد شریعتمداری

معاون محترم اجرایی رییس جمهور

با نهایت تاسف وتاثر درگذشت خواهر گرامیتان را تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت واسعه الهی، برای جنابعالی و خانواده محترم صبر و اجر مسئلت می‌نماییم.

دکتر سیدمهدی میرسلیمی– دکتر سیدرضا نوروززاده– حسن یونس سینکی

روزنامه شرق

تحویل روزنامه درب منزل یا محل کار شما بدون هزینه ارسال

۸۸۲۰۹۵۹۳
۸۸۱۹۸۹۶۴